

باسمه تعالی

قرآن کریم و تحلیل روانشناختی تاثیرگذاری یاد معاد بر تقویت اراده جمعی محمد اسماعیل عبداللهی

دانشجوی دکتری دانشکده مذاهب/ دانشگاه ادیان و مذاهب قم
m.s.abdollahy@hotmail.com

چکیده

یکی از مهمترین دغدغه‌ها و نیازهای امروز بشر مسئولیت‌گریزی، تنبلی، گرفتگی، کسالت و نداشتن آرامش خاطر است که به تبع آن، جوامع انسانی نیز دچار سرخوردگی، شکست و عقب افتادگی شده‌اند و نتیجه این فرآیند چیزی جز به دنبال داشتن فقر و فساد، بی‌بند و باری اخلاقی، نا امنیتی سیاسی و فرهنگی نیست. از جمله عوامل مؤثر برای از بین بردن این چالش جدی بشر، تقویت اراده فردی و جمعی در انسانها است. کمک به تقویت میزان تصمیم‌سازی‌ها و چگونگی تصمیم‌ها و اراده‌های افراد، نشاط و شادابی، پرکاری، مسئولیت‌پذیری، حل مسائل اخلاقی و رفع ضعفهای فرهنگی را به ارمغان می‌آورد و از بهترین راهبردها و استراتژی‌های سازنده، متصل شدن به امور ماورائی و مقدس و مسائل دینی است. مسئله یاد و ذکر معاد جزء بهترین محرکها برای تقویت اراده و ساختن همتهای بلند است. از همین جهت تئوری قرآن کریم پیرامون تأثیرگذاری یاد معاد بر تقویت اراده فردی و جمعی افراد اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. در این نوشتار علاوه بر پرداختن به نظر قرآن، با کمک گرفتن از مبانی و ارکان روانشناسی تربیتی، چگونگی تأثیرگذاری یاد معاد بر تقویت اراده مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها

اراده، تقویت اراده، اعتماد به نفس، خودباوری، معاد، معادباوری، تصمیم‌های گروهی

Quran and learn psychoanalysis influence on strengthening the collective will of the Resurrection

Mohammad Ismail Abdullahi

Abstract

and time've moral, political, security and cultural insecurity. Among the factors to destroy the human challenge, strengthen individual and collective will of the people. Help strengthen the decision-making and how decisions are made and the wills of people, happiness, efficiency, accountability, solve problems and overcome weaknesses moral culture brings the best strategies and strategies. Manufacturer, connect to the metaphysical and sacred and religious issues. Resurrection is listed among the best motivators for learning and will strengthen and build long Hmthay. Thus the theory of the influence of the Holy Quran teaches resurrection on strengthening individual and collective will of the people is so important. In this paper In addition to the Qur'an, with the help of the principles and foundations of educational psychology, learning how to influence the strengthening of Resurrection will be examined.

Keywords

Will strengthen willpower, confidence, self-esteem, resurrection, Madbavry, group decisions

مقدمه

ضمیر باطن انسان هرگز پیر نمی‌شود، دست تطاول زمان بر آن نمی‌تازد و همواره جاودانی و ابدی می‌ماند. خستگی و پیری را با نیروی پرتوان روحی، کاری نیست. صبر و بردباری، خوبی و مهربانی، گشاده‌رویی، فروتنی، خیرخواهی، آرامش، تعادل، اخوت و مودت، خصلت‌ها و صفتهایی هستند که هرگز گرد پیری بر آنها نمی‌نشینند. اگر در ضمیر دل خود بذر این صفات را بکارید همواره از جهت روحی، جوان و شاداب خواهید ماند. کاشت این بذر در گرو داشتن انگیزه قوی برای تحقق مهربانی، آرامش، سعادت‌مندی و مودت است. انگیزه قوی، انسان را به اراده‌های قوی و همتهای بلند وامی‌دارد. شوق و علاقه به سعادت‌مندی انسان را به خوبی‌ها و فصیلت‌ها واداشته، او را فعال، پویا و با نشاط می‌کند. چه بسیارند افراد آدمی که از هر جا شروع می‌کنند به نتیجه‌ای نمی‌رسند و همیشه خود را افرادی بی‌خاصیت، شکست‌خورده و سرخورده می‌دانند. خود را سرزنش می‌کنند و از بدی‌های دنیا و حتی هستی می‌گویند. اینها اینان هستند دارای اندیشه‌های کوتاه و اراده‌های ضعیف هستند. افرادی سست‌عنصرند که با هر گفته‌ای ناراحت و یا شاد می‌شوند بدون اینکه به نتیجه آن گفته و یا کار پی ببرند.

خوب است بگوییم چه بسیارند جوامع انسانی که به دلیل نداشتن انگیزه‌های قوی، اراده‌های فعال و ارتباطات جمعی، دچار انفعال، سرخوردگی، شکست و عقب‌افتادگی شده‌اند که جز فقر و فساد، بی‌بند و باری اخلاقی و ناامنی سیاسی و فرهنگی نتیجه‌ای در بر نداشته است.

تحقیق پیش روی شما پاسخی است به سؤالی که از این گونه؛ انسانها چگونه می‌توانند دارای اراده‌های قوی باشند؟ تئوری روانشناسی تربیتی در محرکهای تصمیم‌ساز چیست؟

چگونه می‌شود افراد از شخصیت‌های اجتماعی، فعال و با نشاط برخوردار شوند؟ چگونه می‌توان تصمیم گرفت؟

چگونه می‌توان تمامی افراد جامعه را نسبت به برنامه یا کاری تشویق کرد؟ چگونه می‌شود خرد جمعی یک جامعه را بالا برد؟ اراده جمعی و تصمیم‌گیری‌های گروهی چگونه اتفاق می‌افتد؟ و چگونه می‌توان آنها را تقویت کرد؟ نقش یادآوری جهان ابدی و زندگی پس از مرگ در این زمینه چیست؟ نقش یاد معاد در تقویت اراده افراد و جامعه چیست؟ آیا یاد مرگ و قیامت باعث انفعال در جامعه نمی‌شود؟ باعث اضطراب و استراس و در نتیجه پایین آمدن راندمان کاری جامعه نیست؟

و ...

این تحقیق می‌کوشد تا با استفاده از منابع معتبر و دست اول، نقش و میزان تأثیر گذاری یاد و ذکر معاد بر تقویت اراده فردی و جمعی افراد را بررسی نماید و با استفاده از جهان‌بینی قرآن کریم به سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود پاسخ دهد.

از این رو با دست یافتن به پاسخ این سؤالات آنچه در ذهنیت برخی انسان‌ها متصور است اصلاح می‌شود و با داشتن تصویری صحیح از جهان پس از مرگ و شناخت درست این اندیشه، و رسوخ در شخصیت آدمی، باعث تغییر در تفکر، اخلاق و عملکردها خواهد شد که در حقیقت روانشناسی تعلیم و تربیت نیز همین هدف را دنبال می‌کند.

در اینجا لازم است مسأله‌ای را طرح و تبیین نمایم و آن اینکه با نگاه آسیب‌شناسانه باید بررسی شود چرا یاد و ذکر مرگ و قیامت به فراموشی سپرده می‌شود؟ این فراموشی خودآگاه است یا ناخودآگاه؟ برای پاسخ این سؤال این فرضیه مطرح است که شاید ترس از مرگ و حالات پس از آن سبب شده است تا انسان‌ها خودآگاه، از یادآوری مرگ و حالات پس از آن فرار کنند.

بررسی فرضیه ترس از یادآوری مرگ و قیامت از دیرباز روان‌شناسان با مسأله‌ای مواجه شده‌اند که تقریباً اکثریت مردم آن را تجربه کرده‌اند و آن مسأله ترس از مرگ است. از آنجا که همه اعتقاد دارند که مرگ برای همه بشر حتمیت دارد، حبّ به بقاء و حیات ابدی، انسانها را تا حدی پیش برده که یادآوری مرگ و قطع زندگی (به خیال خودشان) دلهره و ترس گریبانگیرشان می‌شود و به لحاظ روانی تأثیراتی بسیار منفی بر افراد و جوامع انسانی گذاشته است.

این مسأله به گونه‌ای مطرح شده است که تقریباً تمامی نحله‌ها و مکاتب فکری و بلکه روان‌شناسان معتقدند اگر انسان بخواهد راحت و آسوده خاطر و شاد زندگی کند، باید ترس و نگرانی از مرگ، از روح روان او زدوده شود.

اگر ممکن می‌بود مرگ را از زندگی انسان برداریم و این تحول و انتقال را از برنامه زندگی وی حذف کنیم، زمینه‌ای برای ترس از مرگ باقی نمی‌ماند، ولی از آنجا که مرگ برای انسان به طور حتم پیش می‌آید و سرنوشت انسان در قاعده «کل نفس ذائقة الموت» رقم خورده است طبعاً ترس و نگرانی از آن در جان انسان وجود دارد و آثار و عوارض خود را بوجود می‌آورد تا جایی که می‌توان گفت منشأ بیماری بسیاری از

کسانی که مبتلا به امراض روانی می‌شوند همین حالت و پدیده روانی است و علت انحراف بسیاری به مسلک پوچ گراییی همین است و آنان را وا می‌دارد تا از کار و تلاش برای زندگی دست بکشند یا خودکشی کنند یا به مواد مخدر و سکرآور پناه برند.

اهمیت این پدیده روانی تا بدانجاست که بسیاری از روان‌شناسان را به خود مشغول داشته و این پرسش به صورت جدی برایشان مطرح است که چگونه می‌توان ترس و نگرانی از مرگ را از روح انسان زدود تا بتواند راحت و آرام زندگی کند و سرانجام به هیچ نتیجه‌ای نرسیده و نتوانستند چاره‌ای بیندیشند، جز آنکه باید مرگ را به عنوان یک واقعیت قطعی انکار ناپذیر به انسان قبولاند. آنان در نهایت بیچارگی به این جا رسیده‌اند که باید آرام افراد را آماده کنیم تا مرگ را نیز همانند هر واقعیت دیگر زندگی بپذیرند و بدون ترس از آن استقبال کنند.

روان‌شناسان بر این نکته تأکید کرده‌اند که لازم است تربیت کودک از آغاز براساس درک و پذیرش واقعیات باشد، همان طوری که هستند واقعیاتی که امکان تغییر و تحول آنها وجود ندارد؟ جمله معروفی است از بعضی از مربیان و روان‌شناسان که گفته‌اند: «خود را آن طور که هستی و واقعیات را آن طور که هستند بپذیر». در هر حال انسان باید فکر و خیال چیزهایی که نشدنی است - از آن جمله جاودانگی و نداشتن

مرگ - را از سر بیرون کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۰)

گاهی همین ترس از مرگ است که باعث شده بشر ذکر و یاد مرگ معاد و قیامت را فراموش کنند و یا حتی سعی کنند تا این قبیل مسائل را به یاد نیاورند و معتقدند اگر این سری مسائل را فکر نکنند راحت‌تر و با نشاط‌ترند. غافل از اینکه مرگ و معاد حتمیت دارد. مرگ دیر یا زود به سراغ همه خواهد آمد. و غافل از اینکه نمی‌توانیم با توهمات و تخیلات زندگی کنیم بلکه باید واقعیات را بپذیریم، آنها را باور داشته باشیم و در راستای آن حرکت کنیم.

یکی از علل عمده ترس از مرگ و حاکم شدن استرس، اضطراب و دلهره بر افراد و جامعه نداشتن تصویر درست از مرگ و حیات پس از آن است. همین باعث شده عده‌ای گمان کنند یاد و ذکر معاد باعث کسلی و گرفتگی انسان می‌شود و نشاط و شادابی را از بین می‌برد. و حتی با هر آنچه که یادآور مرگ و قیامت است می‌جنگند.

معاد و قیامت از امور ماورائی است که سعادت و خوشبختی انسان یا بدبختی و شقاوت او در آن نمایان می‌شود در حالی که در دنیا برای آدمی هیچ دسترسی برای اطلاع یافتن از اوضاع و احوال آینده وجود ندارد. بنابراین می‌توان یکی از مهمترین راه‌های از بین بردن ترس افراد نسبت به یاد مرگ و قیامت را تبیین صحیح ماهیت جهان پس از مرگ و حالات و ویژگی‌های آن دانست.

البته نگارنده در این نوشته قصد بیان اسباب علل ترس از یاد و ذکر معاد را ندارد بلکه آنچه این نوشتار به دنبال آن است نقش یاد و ذکر معاد در تقویت اراده فردی و جمعی انسان‌ها است، اگر چه بررسی نقش یاد معاد، خود داعی و انگیزه‌ای برای تشویق افراد انسان در جهت یادآوری بیشتر مرگ و قیامت است، چرا که بدیهی است وقتی انسان جایگاه و نقش مسأله‌ای را در امور مختلف بداند برای او اهمیت بیشتری خواهد شد.

واژه شناسی معاد

گرچه متکلمین و فلاسفه تعریف‌هایی مختلفی از معاد دارند از جمله اینکه معاد « برگشت ارواح به ابدان است در سرای دیگر» (فیاض لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۷۶؛ متقی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۲۳) اما آنچه مراد ما در این نوشتار است معنای عام آن، یعنی رستخیز و جهان پس از مرگ است که خود دارای ویژگی‌هایی است که از لحظه جان‌کندن و شرائط و حالات محض شروع می‌شود و تا عالم برزخ و قیامت و مواقف خاص قیامت یعنی حساب، کتاب، میزان، شاهدان اعمال، جزاء، صراط، دوزخ و بهشت ادامه می‌یابد.

معنی شناسی یاد

وقتی می‌گوییم «یاد» مراد یادآوری و تصویرسازی صحنه آخرت است. یعنی انسان بتواند قبل از اراده هر کاری، شرائط و احوالات خاص خود در آخرت را به ذهن بیاورد، و نتیجه آن عمل را مورد توجه قرار دهد. تاثیرات این عمل نسبت به حساب و کتاب در قیامت را بسنجد و توجه داشته باشد روزی باید به خاطر کوچکترین فعل و عمل خود پاسخگو باشد. هر انسانی قبل از اینکه تصمیم بر انجام فعلی بگیرد باید بکوشد که آیا این کار برخاسته از دستورات الهی است یا برخاسته از دستورات شیطان؟ نتیجه این کار با آرمانهای الهی سازگار است یا با آرمانهای شیطانی؟

جهان پس از مرگ

همچنان که دنیا دارای فراز و نشیب‌هایی است زندگی پس از مرگ نیز دارای شرائط و ویژگی‌های خاصی است که از لحظه احتضار آدمی شروع می‌شود و تا احیاء (زندگانی) همگانی ادامه می‌یابد. موقعیتی که باید در برابر خداوند پاسخگویی نمود. این روند دارای مواقف و منزلگاه‌های مختلفی می‌باشد که جهت آشنایی و تصویر سازی صحیح از این مواقف می‌بایست به کتاب‌های کلامی مراجعه کرد و شرح آنها در این مقال نمی‌گنجد.

اعمال انسان برخاسته از اندیشه اوست

انسانها هر فعل و حرکتی که انجام می‌دهند هر مطلبی را که می‌گویند برخاسته از یک تئوری و مبنای معرفتی است که در اندیشه آنها نهفته است تفکر برخاسته از اندیشه الهی، هستی را دارای خالق می‌داند که قدرت مطلق دارد؛ انسان را موجودی می‌داند که برای رسیدن به خدا در تلاش است در حالیکه انسان لائیک، هستی را زاییده تطورات و تحولات می‌داند؛ انسان را محور همه چیزها می‌داند و همه تلاش او معطوف به انسان است و اساساً خدایی را در راس قدرت قبول ندارد.

انسانهای دارای اندیشه‌های بلندی همچون اسلام ناب، دارای اراده‌های قوی، نیک و نیت‌های پاک هستند که خود سرمنشأ اعمال نیک و همه خوبیها می‌شوند.

انسان با اندیشه الهی می‌کوشد تا در جهت رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی خویش و نیل به کمال همراه و همگان با اراده‌های قوی و محکم، در برابر دنیاطلبی‌ها و خواهش‌های نفسانی سر تعظیم فرود نیارد و همواره با همت بلند از پیشگامان عرصه سعادت و خوشبختی باشد.

چنین انسانی با کوچکترین لغزشی سست نمی‌شود، توان را از دست نمی‌دهد و مایوس نمی‌شود. او توان دارد که باتکیه بر اندیشه ناب دینی خود، آن کند که تمام مادی‌گرایان و دنیاگرایان نتوانند چنان کنند.

از این رو یکی از اصول اندیشه اسلامی، اعتقاد به روز بازگشت و همان حقیقت اولیه است که «معاد» نام دارد.

به طور اجمال به مواقف و منزلگاه‌های مختلف جهان پس از مرگ اشاره نمودیم. یاد این مواقف و منزلگاه‌ها و نیز شرائط و ویژگی‌های زندگی اخروی، خود از جمله سبب‌های موثر در تصمیم سازی انسانها است؛ با یاد معاد و روز واپسین، آدمی همیشه متوجه است که چه تصمیمی بگیرد، چگونه عمل کند و اینکه اساساً چرا باید چنین تصمیمی بگیرد و چنین کاری

انجام شود؟ با یاد مرگ و قیامت انسانها قبل از تصمیم گیری، فعل و عمل را ارزشیابی نموده، منفعت و ضرر معنوی آن را بررسی می‌کنند و آنگاه که اراده آنها بر انجام یا ترک آن تعلق گرفت بر آن مصمم‌اند. توجه زیاد رسول خدا ۶ و ائمه معصومین: به یاد معاد و یادآوری روز رستاخیز حکایت از این دارد که علاوه بر اینکه همه افعال و رفتار آدمی می‌بایست برخاسته از اندیشه اسلامی، بلکه این اندیشه حتماً باید با معاد خو گرفته باشد. در منظومه معرفتی دین اسلام نقطه شروع هستی «مبدا» نام دارد و نقطه پایان آن چنانکه در آینده توضیح خواهیم داد در حقیقت برگشت به نقطه آغازین است که همانا «معاد» نام دارد. در این منظومه از ابتدا همه کردار آدمی، با توجه و لحاظ منطقی به نقطه پایان صورت می‌گیرد همه نیت‌های انسان با لحاظ پایان دنیا، انجام می‌گیرد. و اینکه روزی خواهد رسید که نه تنها در مقابل اعمال و افعال خود در دنیا باید پاسخگو باشیم بلکه در مقابل نیت‌های خود نیز باید حساب پس دهیم. این حساب و کتاب برای همه انسانها وجود دارد و هیچ استثنائی وجود ندارد. (سبحانی، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۲۹۴)

در سیره پیامبر (ص) هر رخداد بزرگ یا کوچکی که اتفاق می‌افتاد، پیامبر آیه‌ی مبارکه (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (بقره، ۱۵۶) (به فرمان خدا آمده‌ایم و بسوی او رجوع خواهیم کرد) را بر لب جاری می‌کرد و به گفته زمخشری وقتی چراغ منزل آن حضرت خاموش می‌شد و نیز در رخداد‌های کوچکتر از آن این آیه مبارکه را تلاوت می‌فرمود. در سیره آن حضرت هر حادثه یک آزمون الهی تلقی می‌شد. انسان کامل در حوادث شکیبایی خود را از دست نخواهد داد زیرا رخداد‌های تلخ و شیرین و سبک و سنگین را مجلای اراده الهی می‌داند و هرگز متزلزل نمی‌شود چنان که حضرت علی ۷ فرمودند: «النفس الکریمه لا توثر فیها النکبات» (آمدی، ۱۳۳۵، حدیث ۴۶۰۶) (رخداد‌های منحرف در نفس بزرگ تأثیر ندارد) توجه به خدا را در همه حالات خود حفظ می‌کند.

اول فکر بعد ذکر- یادی مبتنی بر اندیشه ناب

یاد و اعتقاد به معاد کافی نیست بلکه اگر بخواهیم این یادها سرمنشا اعمال و رفتار نیک و سعادت آدمی شود باید این یادها برخاسته از فکر و اندیشه باشد. اول فکر بعد ذکر.

آنگاه این یادآوری ثمرات ارزنده‌ای خواهد داشت که آمیخته با تفکر باشد؛ همانگونه که تفکر در خلقت آسمان و زمین

اگر آمیخته با یاد خدا نباشد، به جایی نمی‌رسد. چه بسیارند دانشمندانی که در مطالعات فلکی خود و تفکر مربوط به خلقت کرات آسمانی این نظام شگفت‌انگیز را می‌بینند اما چون به یاد خدا نیستند و عینک توحید بر چشم ندارند و از زاویه شناسایی مبدء هستی به آنها نگاه نمی‌کنند، از آن مطالعات، نتیجه‌ی لازم تربیتی و انسانی را نمی‌گیرند؛ همانند کسی که غذایی می‌خورد که تنها جسم او را قوی می‌کند و در تقویت اندیشه و فکر و روح او اثری ندارد.

قرآن کریم می‌فرماید: (... وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (آل عمران، ۱۹۱) (... و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزه‌ی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار) اولوالباب و فرزندگان را کسانی می‌داند که در آسمان و زمین می‌اندیشند و به هدف دار بودن آنها پی می‌برند.

بنابراین آنچه موجب هراس عملی و اساس امید و دلدادگی است در ابتدا معرفت نظری نسبت به معاد و خداشناسی است چرا که تا بینش شهودی و عقلی حاصل نشود جهان بینی تام و کامل نیز حاصل نخواهد شد.

نتیجه اینکه یاد معاد در حقیقت همان یاد خداست اعتقاد به خدا و معاد بدون یاد آنها کافی نیست. برای اینکه این یادآوریه‌ها ثمرات ارزنده‌ای داشته باشد باید برخاسته از تفکر و اندیشه باشد و به همین خاطر است که عبودیت محض در پرتو ذکر و فکر، عبادت است و خلوص دارد.

جهان بینی قرآن کریم در پیوند یاد معاد با یاد مبدا

بر اساس جهان بینی قرآن کریم، هستی از یک نقطه آغاز می‌شود و در قوس صعودی به همان نقطه برمی‌گردد. گرچه وقتی ما بخواهیم نقطه آغازین را بیان کنیم با نام (مبدأ) یادآور می‌شویم و وقتی بخواهیم نقطه برگشت را بیان کنیم با نام (معاد) یا همان (جهان پس از مرگ) یاد می‌کنیم اما با دقت و تأمل کافی به این مطلب می‌رسیم که مبدا و معاد هر دو جلوه یک حقیقت است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (حدید، ۳) (اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست).

بنابراین وقتی خداوند می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا) (احزاب، ۴۱) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یادی بسیار) یاد خدا در حقیقت

همان یاد معاد است و هر لحظه انسان به جانب او می-رود (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (بقره، ۱۵۶) ([همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم).

از این رو چون یاد خدا همان یاد معاد است پس فراموشی الله سبب فراموشی معاد می‌شود، پس چون خدا به فراموشی سپرده می‌شود خدا هم انسان را به فراموشی می‌سپارد: (فَالْيَوْمَ نُنَسِّاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ) (اعراف، ۵۱) (پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می‌کردند ما [هم] امروز آنان را از یاد می‌بریم)

ایمان به معاد بدون یاد کافی نیست!؟

از همین جا که گفتیم یاد معاد در حقیقت یاد خدا است و هر دو جلوه یک حقیقت هستند روشن می‌شود که تنها اعتقاد به معاد و ایمان به قیامت کافی نیست بلکه باید اعتقاد به معاد، همیشه در ذهن و یاد آدمی باشد تا بتواند درست بیاندیشد، درست عمل کند و در حقیقت این یاد و ذکر خداست که اعمال نیک را به دنبال می‌آورد.

کسی که به یاد معاد باشد برای تمام کارهایش برنامه دارد؛ چنانکه کسی که دائم یاد و ذکر خدا را دارد حالت مراقبتی از نفس خویش دارد و مواظبت بر اعمال و سکناتش می‌کند.

امام صادق^۷ می‌فرماید: «ذکر الموت یمیت الشهوات و یقطع منابت الغفله و یقوی القلب بمواعد الله و یرق الطبع و یکسر اعلام الهوی و یطفیء نار الحرص و یحقیر الدنیا» (یاد مرگ، شهوت‌های غیر مجاز را از بین می‌برد. ریشه‌های غفلت را پر می‌کند، دل انسان را با وعده‌های الهی محکم می‌کند، روحیه انسان را از قساوت به لطافت سوق می‌دهد، یاد مرگ نشانه‌ها و انگیزه‌های هوس را می‌شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا را پیش‌چشمان انسان کوچک جلوه می‌دهد).

مفهوم شناسی اراده

اراده لفظی عربی از ریشه «رود» و مصدر است، چنان که جوهری می‌گوید: «اراده اصلش با واو بوده، لکن واو ساکن شد و حرکتش به ما قبلش انتقال یافت. سپس در ماضی واو آن به الف و در مضارع به یاء بدل شد و در مصدر به خاطر مجاورتش با الف ساکن، ساقط گردید و به جای آن‌ها در آخر آمد چنان که گفته می‌شود ارادَ یرید اراده». (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۷۸؛

بداشتی، ۱۳۸۱، ص ۴۸) جوهری اراده را مرادف با مشیت دانسته، گرچه در ادامه معنای طلب را نیز اضافه کرده است. (همان) صاحب مصباح المنیر نیز همین معنا را اختیار کرده و گفته است: «اراده... الطلب و الاختیار» (اراده طلب کردن و برگزیدن است). (المقری القیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۴) دهخدا در لغت نامه، معادل فارسی آن را «خواستن، خواسته، میل، قصد و آهنگ» نوشته است. (دهخدا، بی‌تا، ص ۱۶۰۵)

راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن می‌گوید: «اراده منقول از (رَادَ یَرُود) است، آن گاه که در طلب چیزی تلاش شود، اراده در اصل قوه‌ای مرکب از میل شدید و نیاز و آرزو است اما اسم قرار داده شده برای میل نفس به چیزی با حکم در او به این که آن عمل شایسته است انجام شود یا انجام نشود، سپس گاهی برای مبدأ فعل به معنای میل نفس به چیزی استعمال می‌شود و گاهی برای منتهای فعل، یعنی حکم به این که آن فعل شایسته انجام دادن است یا شایسته انجام دادن نیست، به کار گرفته می‌شود، اما وقتی در مورد خدای سبحان بکار می‌رود. منظور منتهای فعل است نه مبدأ آن. (اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۱)

قاموس قرآن نیز ضمن بر شمردن معانی اراده، مانند طلب کردن، خواستن، قصد کردن، اراده را در مورد خداوند به معنای حکم و دستور، زمانی که توأم با وقوع خارجی باشد دانسته است. (قرشی، ۱۳۷۶، ماده «رَوَدَ»)

با بیان این مطالب روشن می‌شود که اراده در انسان به معنای خواستن از روی نیاز و آرزو است ولیکن در مورد خداوند به معنای حکم و امر بکار می‌رود.

از این رو خواستن محصول اسباب و علل مختلف روحی - روانی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. انگیزه و داعی خود محرک جدی برای تحقق خواستن است. آنتونی رابینز می‌گوید: «کارهایی که گاه به گاه انجام می‌دهیم، ملاک نیستند بلکه اعمال دائمی ما هستند که نقش تعیین کننده دارند. پدر همه اعمال ما کدام است؟ چه عملی در نهایت، تعیین کننده شخصیت و راه زندگی ماست؟ پاسخ این پرسش در کلمه تصمیم نهفته است. در لحظات تصمیم‌گیری است که سرنوشت ما رقم زده می‌شود من بیش از همه چیز، اعتقاد دارم که آنچه سرنوشت ما را تعیین می‌کند، شرائط زندگیمان نیست، بلکه تصمیم‌های ماست». (رابینز، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۹) بنابراین برای تحقق اراده‌ای قوی در افراد و به تبعیت آن در جامعه نیازمند شناخت این اسباب و علل هستیم برای تبیین هر چه بیشتر بحث

بهرتر است در ابتدا نقش و جایگاه اراده در وجود انسان را مورد بررسی قرار دهیم.

کاربست اراده قوی در انسان (نقش اراده قوی در انسان)

۱- برای رسیدن به خودشناسی

یکی از چیزهایی که در دستورات دینی ما بسیار بر آن تاکید شده است شناخت خود است. امام علی^۷ در اهمیت آن می‌فرماید: «افضل المعرفة معرفة الانسان نفسه» (برترین شناخت، خودشناسی است) (آمدی، ۱۳۳۵، حدیث ۴۶۳۱) در روایت دیگر امام می‌فرماید: «غایه المعرفة ان يعرف المرء نفسه» (نهایت شناخت این است که انسان خود را بشناسد) (همان، حدیث ۴۶۶۵) «مقصود از خودشناسی آن است که انسان با درون نگری و خودکاوی و تأمل در وجود خویش و ابعاد آن استعدادها و نیروهای درونی و تمایلات و کششهای باطنی، هدف واقعی آفرینش و کمال نهایی و راه رسیدن به آن را بشناسد». (اکبری، ۱۳۸۱، ص ۳۵)

بدیهی است رسیدن به چنین شناختی نیازمند انگیزه قوی و تصمیم جدی است که البته آنچه بیش از همه بر اراده انسانها تاثیرگذار است داشتن نگاهی جمعی و منظومه‌ای به خلقت هستی و اینکه روزی فرا می‌رسد که همه آسمانها و زمین به هم می‌ریزد و آدمی باید در مقابل تمامی اعمال خود پاسخگو باشد.

از همین رو می‌توان ادعا کرد سعادت اخروی آدمی در گرو شناخت خود است چنانکه الکسیس کارل می‌گوید: «ما در ایجاد وسائل راحتی و سرعت در کار و تهیه ابزار زندگی پیشرفت فراوان کرده‌ایم؛ ولی به هیچ وجه خود را نشناخته‌ایم. در حقیقت از خود غفلت ورزیده‌ایم در نتیجه، پیشرفتهای علمی نتوانسته است ما را سعادت‌مند کند و نظر دقیق نشان می‌دهد که اضطراب و نگرانیها بیشتر شده است» (عرفانیان، ۱۳۸۵، ش ۲۹، ص ۷۲) بنابراین انسان باید بکوشد و عزم جدی داشته باشد تا با ضعفها و قوت‌های خود آشنا شود، در این مرحله او باید بکوشد منشأ اصلی که باعث تقویت نقاط ضعف او می‌شود را شناسایی نماید.

۲- برای رسیدن به خودسازی

درختی را تصور کنید که اگر انسان بتواند در شرائط آب و هوایی مناسب به خوبی از آن محافظت کند به موقع آبیاری و اصلاح نماید آنگاه است که می‌تواند از آن بهره‌برد و از میوه‌های آن استفاده کند.

انسان نیز اگر بخواهد از سرمایه وجودی خود نهایت بهره- برداری را ببرد راهی جز بازشناسی سرمایه‌های وجودی و نیروها و استعدادهای درونی خود ندارد که البته باید آن را در مسیر درست خود قرار بدهد و استعدادهای خود را به فعلیت آورده و به جا از آن استفاده نماید که این همان خودسازی است. به عبارتی انسان باید ضمن توجه به هدف خلقت خود، به شرائط و احوالات و نیازمندیهای خود توجه نماید و در جهت به فعلیت کشیدن ظرفیتهای موجود در خود نیازمندیهای خود را برطرف نماید، تمایلات خویش را تعدیل کرده و صفات انسانی را در وجودش پرورش دهد و با دستیابی به کمالات انسانی و آراسته شدن به محاسن و مکارم اخلاقی، انسانیت را در خویش متجلی سازد.

انسان تنها موجودی است که ساختمان روحی خود را خودش می-سازد، گاهی با کسب فضائل اخلاقی و ارزشهای انسانی، فرشته‌ی خو می‌شود و به مراتب کمال، صعود می‌کند و گاهی در اثر کسب رذایل اخلاقی و عقائد ناصحیح و اعمال ناروا به ورطه‌ی حیوانیت سقوط می‌کند و به صورت یک حیوان آدم نما در می‌آید. در این باره امام علی^۷ می‌فرماید: «**الصُّورَةُ صُورَةُ الْاِنْسَانِ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ الْحَيَوَانِ**» (ظاهرش به صورت انسان و باطنش همچون حیوان است) (صبحی، صالح، بی‌تا، خطبه ۸۶)

بدیهی است این اتفاق (خودسازی) زمانی رخ می‌دهد که برخوردار از اراده قوی باشد و تقویت عزم و اراده آدمی نیز با در نظر گرفتن زندگی موقت دنیایی و شناخت موقعیت جغرافیایی خود حاصل می‌شود.

۳- برای رسیدن به خود اتکائی

خود اتکائی یا خود باوری در برابر اتکاء به انسانها، اندیشه‌های دیگران و اعتماد به آنها است. از این رو انسانهایی که از اعتماد به نفس برخوردار نیستند، خود نیستند. چنین انسانی همیشه خود را دیگری می‌داند و از همین رو است که هر کس هر چه بگوید می‌پذیرد و عمل می‌کند و چون گفته‌ها متفاوت است برآیندهای آنها که اعمال هستند نیز در تقابل با یکدیگرند. از این رو چنین انسانی در تنگنا قرار گرفته، احساس کمبود، بی هویتی، کسالت و شلوغی می‌کند و از ذهن مشوشی برخوردار است. خود نمی‌تواند تصمیم بگیرد و در نتیجه در زندگی شخصی و اجتماعی خود سرناسازگاری دارد.

انسانهایی که دارای اعتماد به نفس بالایی هستند از استقلال و حریت برخوردارند، زندگی آرامش‌بخشی دارند، دارای مناعت طبع هستند، مسئولیت‌پذیر و پرکار و تلاشند.

انسان اگر بخواهد از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد راهی جز تقویت اراده خود ندارد. او باید تلاش کند تا بر همان تصمیمی که می‌گیرد باقی بماند. تقویت اراده آدمی نیز از توکل به خداوند و نشأت گرفتن اسباب و علل مادی از قدرت بی‌پایان او، از یادآوری روز واپسین که همه انسانها به سوی آن بروند و در برابر ذره ذره اعمال و رفتار خود پاسخگو باشند، نشأت می‌گیرد. طبیعتاً چنین اندیشه‌ای باعث می‌شود که همیشه اعتماد انسانها به خود باشد و در سایه اعتماد به نفس، توکل به حضرت حق داشته باشند چنین شخصی هیچ گاه مایوس و ناامید نمی‌شود.

۴- برای رسیدن به خود کنترلی

امروزه کم نیستند کسانی که از مشاوران و آگاهان می‌پرسند که فلان خطا و عمل را انجام داده‌ام بدون اینکه متوجه باشم و الان می‌فهمم که اشتباه کردم، در هنگام مواجهه با هر عمل زشتی، لجام را از دست می‌دهم خودم را فراموش می‌کنم، همه چیز از دستم خارج می‌شود و بعد از ارتکاب متوجه اشتباه خود می‌شوم. خیلی از انسانها از عدم مدیریت نفس خود می‌گویند. از اینکه چگونه می‌توانیم نفس خودمان را کنترل نماییم؟

درست است، نفس اماره، انسانها را به سوی بدبختیها، ضلالتها و گمراهیها می‌کشد. امام علی^۷ می‌فرماید: «انْ هَذِهِ النَّفْسُ لَأَمَّارَةٌ فَمَنْ أَهْمَلَهَا جَمَعَتْ بِهِ إِلَى الْمَآثِمِ» (نفس اماره، انسان را به سوی بدی می‌کشانند و هر که آن را رها کند او را به سمت گناهان می‌کشانند.) (آمدی، ۱۳۳۵، ج ۲، ص ۲۲۰)

آیات فراوانی [۱] از قرآن کریم به کنترل نفس و خود کنترلی دلالت دارد چنانکه فهمیده می‌شود تمام پیامبران و اولیای خدا سفارش به تقوی و خود کنترلی کرده‌اند:

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِخَيْرٍ حِسَابٍ (زمر، ۱۰) (بگو ای بندگان من که ایمان آورده‌اید از پروردگارتان پروا بدارید برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده‌اند نیکی خواهد بود و زمین خدا فراخ است بی‌تردید شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت).
اساسی‌ترین راه و مهمترین راهها آن است که در انسان اراده قوی پدید آید. داشتن اراده قوی برای مدیریت نفس

بهترین دستورالعمل است به عبارتی « باید در انسان روحیه و اراده قوی و استوار پدید آید که به هنگام رویارویی با عوامل گناه و زشتی، او را از هر گونه آلودگی حفظ کند مانند کسی که برای مصونیت از یک بیماری، واکسن ضد آن بیماری را به خود تزریق می‌کند مثلاً برای مقابله با ابتلا به بیماری مالاریا از واکسن ضد این بیماری استفاده می‌کند». (اکبری، ۱۳۸۱، ص ۶۸) حال باید گفت یکی از محرکهای اساسی جهت داشتن اراده قوی و استوار یاد معاد و برگشت به عالم ازلی و ابدی است، بدیهی است در پرتو یاد معاد است که دل و جان آدمی آمیخته به تقوایی می‌شود که باعث می‌شود زبان آنچه می‌خواهد نگوید، چشم کاروانسرای نباشد که هر نامحرمی از درش درآید، گوش هر صدایی را نشنود و... .

انسان ضمن در نظر گرفتن اینکه حقیقتاً روزی باید در محضر خالق هستی پاسخگویی اعمال خود باشد مصمم می‌شود تا با اراده‌ای عالی، بر ضعفها و مشکلات فائق آید و همواره سرمنشا خوبیها و فضیلتها باشد. انسان با داشتن چنین اراده‌ای خواهد توانست هم به خود مسلط شود و هم چهره زندگی خود را آن گونه که می‌خواهد تغییر دهد. (چنانکه) پیام آوران وحی، اولیای خدا، مومنان، پرهیزکاران، بزرگان در پرتو این نیروی عظیم با هوی و هوس، سختی‌ها و ناملایمات، مبارزه می‌کردند. (همان، ۸۵)

تأثیر گذاری یاد معاد در تقویت اراده فردی

سرمنشأ همه افعال و اعمال آدمی نیت او است. نیت هر شخص برخاسته از مبانی معرفتی و اندیشه نهفته در اوست. انسان بر اساس اندیشه‌ای که دارد اراده می‌کند و در پرتو اراده قوی، عمل می‌کند. همانگونه که بیان شد اراده قوی است که انسان را از خودشناسی به خدا باوری می‌رساند.

و چون اراده، برخاسته از اندیشه است، اندیشه نیز باید پاک باشد، اندیشه‌ای می‌تواند انسان را از خودشناسی به خدا باوری و خداشناسی برساند، که برخاسته از مبانی معرفتی دینی باشد.

برای اینکه بتوانیم نقش یاد معاد و میزان تأثیر گذاری آن بر تقویت اراده را بیان نماییم می‌بایست ابتدا عوامل و اسباب تقویت اراده را بیان کنیم و سپس بر نقش یاد معاد و میزان تأثیرگذاری نسبت به هر یک از آنها بپردازیم:

۱. مبارزه با نفس

هوس ستیزی، یکی از راه‌های تقویت اراده است. پیامبر اکرم ۶ در این باره می‌فرماید: «الْشَّيْءُ مَنْ غَلَبَ نَفْسَهُ» (قوی، کسی

است که بر هوای نفس خود چیره شود). (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۲۳) نه گفتن به عادت بد، موجب می‌شود شخص برای مدتی تجدید قوا نماید و بدین وسیله ضعف اراده خود را به تدریج برطرف سازد.

با این وجود روشن است که توجه به معاد و مواقف قیامت، حالات و شرائط پس از مرگ، چنانکه در ابتدا توضیح داده ایم ما را در جهت مبارزه با نفس راهنمایی می‌کند و بلکه مهمترین عامل برای مبارزه با نفس همین توجه به اتفاقات پس از مرگ است.

۲. شناخت کافی

انسان هر گاه نسبت به عملی که می‌خواهد انجام دهد شناخت لازم داشته باشد و به منافع و ضررهای کار توجه نماید، انگیزه او برای انجام یا ترک آن، بیشتر می‌شود و قهراً اراده و تصمیم وی نیز در انجام یا ترک رفتار و عادات‌های پسندیده یا ناپسند قوی‌تر می‌گردد و همین جاست که خواهد توانست بر هوی و هوس‌های نفسانی خود مسلط باشد.

در اینجا نیز یاد معاد تأثیر بسزایی در چگونگی شناخت و دقت عمل دارد چرا که انسان زمانی که همیشه روز بازگشت و روز پاسخگویی را در خاطر خود مرور می‌کند بر این باور است که انجام هر عملی نتیجه‌ای را در بر دارد چنانکه هر کنشی واکنشی می‌طلبد. حال برای انجام آن عمل تلاش می‌کند تا ابتدا از آن، شناخت کافی پیدا کند و بعد به آن عمل کند. بدیهی است پس از شناخت آن کار و مشخص شدن اهداف آن بر انجام یا ترک آن مصمم خواهد بود و با هر اتفاق مخالف، به راحتی از آن نخواهد گذشت.

۳. التزام به باورهای عبادی

یکی از چیزهایی که باعث تقویت اراده می‌شود تکالیف شرعی چون نماز، روزه، حج، جهاد و ... است که هر کدام به نوعی تمرین تقویت اراده محسوب می‌شود.

وجود التزام‌های دینی باعث می‌شود که انسان با مخالفت کردن هوس‌های فریبنده، استواری روح و تقویت اراده و خود کنترلی را نتیجه بگیرد.

وقتی انسان به چیزی عقیده دارد و آن را به عنوان تکلیف و وظیفه پذیرفته و خود را ملتزم به آن می‌داند در حقیقت لحظه‌ای قبل از انجام عمل، آن را اراده می‌کند و ناچاراً بر آن مصمم است همین پایبندی به عبادات و تکالیف خود به خود تمرینی است برای تقویت اراده.

چنانکه در ابتدا اشاره شد یاد و ذکر معاد تأثیر بسزایی بر این عامل از عوامل تقویت اراده نیز دارد؛ چرا که التزام به باورهای عبادی و پایبندی به عبادیات در حقیقت زمانی اتفاق خواهد افتاد که انسان ابتدا شناخت کافی از منظومه هستی بویژه پایان آن و روز رستاخیز و شرائط و حالات آن داشته باشد و سپس با یادآوری آن شرائط همیشه خود را نسبت به دستورالعمل‌های دینی که ارائه شده و سرانجام انسان را مشخص می‌سازد، پایبند می‌داند؛ چرا که به حسب چگونگی اعمال آدمی است که انسانها خوبی و بدی زندگی جهان پس از مرگ را نظاره‌گر خواهند بود.

۴. توجه به پیامدها

یکی از عوامل تقویت اراده انسان، توجه به فرآیند کار بویژه عواقب آن کار است. انسان زمانی که پیامد هر کاری را مدنظر قرار دهد و آن را مورد بررسی قرار دهد نسبت به کار مفید و سازنده، جدی‌تر است و با تلاش بیشتری آن را دنبال می‌کند و اما نسبت به کار بی‌ارزش و عمل سیاه، بی‌میل‌تر است و از روی بی‌ رغبتی و شاید بر اثر اکراه و تزلزل آن عمل را انجام خواهد داد. «توجه به عواقب هواپرستی می‌تواند به تقویت اراده و کنترل درونی در برابر خواسته‌های نفسانی بیانجامد». (اکبری، ۱۳۸۱، ص ۸۶)

در این عامل نیز معاد باوری و ذکر و یاد معاد نقش بسزایی در تقویت اراده دارد. زمانی که مبنای معرفتی هر شخص بازگشت به سوی مبدأ و پاسخگویی در برابر ذات مقدس باشد یقیناً چنین است که در هنگام انجام هر عملی، پیامد و سرانجام آن عمل را مشاهده و ارزیابی می‌کند و نسبت به آن اقدام می‌نماید.

۵. شبهه زدایی از تأثیرات منفی یاد قیامت

ممکن است گفته شود شما یاد معاد را از مؤثرترین عوامل در تقویت اراده فردی و جمعی انسانها می‌دانید و حال آنکه انسانها با داشتن زندگی دنیایی و اجتماعی و نشاط و شادابی‌های که از لذت‌های دنیوی می‌برند با قرار گرفتن در این مرحله و یاد و ذکر معاد دچار انفعال خواهد شد. از این رو یاد و ذکر معاد نه تنها باعث نشاط و در نتیجه تقویت اراده آنها نمی‌شود بلکه خود عاملی است در جهت القاء روحیه گرفتگی، خمودگی و کسلی در افراد و همچنین جامعه. بنابراین یاد مرگ و قیامت عامل باز دارنده خواهد بود چرا که روحیه پویایی، نشاط و شادابی از جامعه گرفته

می‌شود و این نتیجه‌ای جز رکود علمی، فرهنگی و اقتصادی ندارد!

این ادعا صحیح نیست چرا که آنچه باعث شده این گفته مطرح شود عدم درک درست مرگ و قیامت است. نداشتن تصویر درست از جهان پس از مرگ بویژه با وجود داده‌های غلط و نادرستی که امروزه از طریق کتابها، فیلم‌ها و ... به انسانها داده می‌شود باعث می‌شود این سؤال مطرح شود و حال آنکه در صورت اطلاع درست از حالات و شرایط قیامت، چنانکه بزرگان دین و معصومین: همیشه مرگ را درخواست و آرزو می‌کردند باعث می‌شود سایر مؤمنین نیز به همین درجه برسند. در سیره نبی مکرم اسلام و ائمه معصومین: یاد مرگ و قیامت از مهمترین برنامه اخلاقی و الگوی عملی در این زمینه می‌باشد. بنابراین اینکه یاد مرگ و قیامت باعث ترس انسانها می‌شود بدلیل عدم شناخت صحیح جهان پس از مرگ، و یا انجام اعمال سیاه و گناهان زیاد. در هر صورت مناسب است این مسأله در بحث علل ترس از مرگ در کتابهای اعتقادی پی‌گیری شود لکن بر این اساس قبل از هر اقدامی لازم است همه افراد آگاه، دانشمندان و بویژه در حکومت دینی همه نهادهای فرهنگی در جهت شبهه زدایی و ترس زدایی اقدام نمایند. این کار می‌تواند با شناخت تصویر درست از قیامت و القاء آن به افراد جامعه باشد.

۶. سایر محرکهای تصمیم ساز در پرتو یاد معاد

۶-۱. یاد معاد بینش انسان را وسعت می‌بخشد

مادیگرایان معتقدند هیچ چیزی جز همین زندگانی دنیایی که پیش روی ماست حقیقت ندارد. قرآن کریم از زبان آنان اینگونه نقل می‌کند: (وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ) (جاثیه، ۲۴) (و گفتند غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز طبیعت هلاک نمی‌کند و [لی] به این [مطلب] هیچ دانشی ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی‌سپرنند).

به عقیده آنان سود و لذت و سعادت همه در قلمرو همین زندگی دنیایی معنی بخش هستند و با همین مبنای فکری است که می‌پندارند فقط هر آنچه در دنیا سود بخش و لذت آور است حقیقت دارد. چنانچه تجربه گرایان معتقدند هر آنچه بتوانیم آنها را در آزمایشگاهها تجربه کنیم واقعیت دارد و غیر اینها حقیقت خارجی ندارد.

از این رو آنها نمی‌توانند طعم شیرین خدمت به هموعان، بی‌نویان، مظلومان و ... را بچشند، زندگی مسالمت آمیز بدون کینه و نفاق را درک نمی‌کنند، از لذات معنوی روحی و روانی فاصله دارند، آرامش روانی از رفتار و زندگی آنها رخت بر بسته و همواره در حالت دگرگونی و پریشانی به سر می‌برند و گویا در زندانی قرار گرفته‌اند که هیچ راه خروجی ندارد.

همین مبنای فکری است که آنها را به جایی رسانده است که تنها به دنبال لذات دنیایی (از شهوت طلبی گرفته تا جنگ طلبی، غارت و خونریزی) هستند. آری پی‌آمد این اندیشه خطرناک میلیونها انسان آواره و بی‌سرپرست در دنیا و هزاران کودک خیابانی است.

روابط همجنس‌بازی که عامل بسیاری از امراض و در نتیجه مرگ و میرها در جهان می‌باشد نیز از جمله پی‌آمدهای همین اندیشه مادی است.

گسترش ظلم و فساد، بی‌عدالتی و ناامنیتی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در دنیا که امروز به یک گفتمان تبدیل شده است نیز اثر همین بینش فکری می‌باشد.

اینان در حقیقت همان کسانی‌اند که از دنیای دیگر و روز رستاخیز غافلند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: **(إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا)** (انسان، ۲۷) (اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روزی گرانبهار را [به غفلت] پشت‌سر می‌افکنند).

در بینش اسلامی زندگی پس از مرگ در جهان دیگر، از اصول اعتقادی است که بر پایه این اصل زندگی آدمی تا بی‌نهایت ادامه دارد. با این رویکرد، مفاهیمی همچون سود و سعادت و لذت از محدوده این جهانی فراتر رفته و زندگی ابدی اخروی را نیز در بر می‌گیرد.

از نگاه اسلام، جهانی دیگر وجود دارد تا آدمی پس از یک عمر تلاش و کوشش در دنیا، نتیجه اعمال خود را ببیند و بر اساس همان اعمال، امکانات زندگی ابدی او را تحویل داده و برای همیشه در سرای آخرت زندگی می‌کند. بازخورد کوچکترین عمل دنیایی در آخرت، نمایان است و از لذت‌های اعمال نیک خود و الم‌های (دردهای) اعمال سیاه خود برخوردار است.

قرآن کریم پیروان خود را به سود و سعادت هر دو جهان دعوت می‌کند: **(مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا)** (نساء، ۱۳۴) (هر کس پاداش دنیا

بخواهد پاداش دنیا و آخرت نزد خداست و خدا شنوای بیناست). و سعادت و نیکبختی واقعی را همان سعادت اخروی می‌داند: (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ) (آل عمران، ۱۸۵) (هر جانداری چشنده [طعم] مرگ است و همانا روز رستاخیز پادشاهیتان به طور کامل به شما داده می‌شود پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآوردند قطعاً کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست).

از این رو کسانی که تنها به دنبال منافع زودگذر مادی و دنیایی بودند را زیانکارانی می‌داند که از تجارت خود هیچ سودی نبرده‌اند: (أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الضَّلَاةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ) (بقره، ۱۶) (همین کسانی که گمراهی را به [بهای] هدایت‌خریدند در نتیجه داد و ستدشان سود [ی به بار] نیاورد و هدایت‌یافته نبودند). بنابراین قرآن کریم ضمن توجه دادن به زندگی جاوید آخرت و لذتهای نامحدود و بی‌کران آن به اصلاح اخلاق و رفتار فرد و جامعه پرداخته است.

با این بیان روشن شد اعتقاد به «جهان پس از مرگ» بینش انسان را نسبت به عالم هستی وسعت می‌بخشد و او را از تنگنای دنیا به فراخنای جهان باقی پیوند می‌دهد، و همت او را بلندمرتبه تر از آن می‌گرداند که به تعلقات مادی و دنیوی خشنود شود و بدان رضایت دهد. این بینش وسیع باعث می‌شود انسان هر تصمیمی را بر اساس یک اندیشه بلند و توجه به منظومه معرفتی دین اسلام بگیرد.

و طبیعتاً چنین تصمیمی که برخاسته از این نوع مبنای فکری است، تصمیمی قوی و غیرقابل خدشه است و آدمی، در عمل به چنین اراده‌ای، خود را موظف به آن و با نگاه بلند به آن عمل می‌کند.

۲-۶. توجه به جایگاه انسان در منظومه معرفتی دین

آنچه به لحاظ تاثیرگذاری روح و روان آدمی، نقش مهمی در تقویت اراده دارد، توجه نمودن به مجموعه هستی است که همچون سازه‌واره و یک منظومه معرفتی کاملاً مرتبط با یکدیگر می‌باشد. این منظومه از مبدا هستی شروع و تا معاد که در حقیقت همان برگشت به مبدا هستی است ادامه دارد.

در این میان موجودات و اشیاء مختلفی وجود دارد. توجه انسان به جایگاه خویش در میان سایر مخلوقات، رفتار و

اعمال آدمي را متمایز می‌کند، برخورداري از قوه عاقله، زندگي اجتماعي، ساختار بدني مناسب، جفت بودن انسانها از زوج و زوجیت و وجود راهنمایان جهت سعادت انسان و در نتیجه اینکه انسان اشرف موجودات هستي است، این بینش را به انسان می‌دهد که پس سایر مخلوقات حول محور انسان می‌چرخد و برای همین منظور آفریده شده‌اند.

۳-۶. توجه به علت غايي هستي و رسیدن به کمال

توجه به علت غايي هستي، معرفت خداوند که از شناخت خویشتن حاصل می‌شود به ضمیمه اهدافي که خداوند برای انسانها قرار داده است که همانا سعادت و خوشبختي و رسیدن به کمال است خود محرکي برای تصمیم‌هاي بلند و کارکردهاي مفید و سازنده است.

توجه به اینکه ذره ذره اوقات زندگي و اعمال و رفتار ما زیر ذره‌بین‌هاي الهي قرار دارند و از ذات مقدس خداوند پنهان نیست و توجه پاداش و جزائي که به انسانها وعد و وعید داده شده است نیز عامل دیگر در تصمیم سزاي و انجام کارهاي بلند می‌باشد؛ اینکه انسان متوجه باشد سزاي هر عمل نیک او جایگاهی است بس بزرگ که برخوردار از نهرهاي فراوان، سرزمین سرسبز و ابدی است و سزاي هر فعل شر او که از روی سرکشي و طغیان صورت می‌گیرد جایگاهی ابدی است که آتش سوزان و نعمتهاي الهي است.

میزان تاثیر پذيري تقویت اراده جمعي از ذکر و یاد معاد

آنچه در پیش آمد از مباحث ضروري بود تا بتوانیم به طور شفاف و دقت بیشتری این بخش از این نوشتار را بررسی نماییم.

حال که با منظور و مقصود ما از معاد و نقش آن در تقویت اراده فردي آگاه شدید در اینجا اینگونه می‌گوییم: از آنجایی که اجتماع، ساخته شده افراد می‌باشد در صورتی که افراد یک جمع یا جامعه‌اي برخوردار از اراده‌ی قوی باشند، آن جامعه نیز به تبع اراده قوی افراد خود، دارای اراده‌ی استوار و قوی خواهد بود. برای داشتن یک جمع با اراده قوی چاره‌اي جز تلاش برای تقویت اراده افراد آن جمع نداریم.

با تقویت اراده افراد یک جامعه، اراده جمعي جوامعی همچون یک گروه، جمع گروه کارمندان یک اداره، جمع یک خانواده، جمع یک شهر، جمع جامعه و جمع یک ملت نیز تقویت خواهند شد. از این رو باید گفت تنها در جمع‌هاي بزرگتر چون جمع یک جامعه و یا یک ملت عوامل تقویت اراده با افقي بلند مد نظر قرار خواهد گرفت. ضمن اینکه می‌بایست به لحاظ

خصوصیت حاکمیتی یک جامعه و ملت، به این عوامل نیز توجه لازم بشود چرا که برای تحقق آرمانها و اهداف هر جامعه و ملتی نیازمند همیاری و همکاری تمام ارکان آن جامعه بویژه افراد آن و البته همراه با اراده قوی می‌باشد. برای تحقق ایجاد چنین اراده‌ای در میان یک جامعه، علاوه بر عوامل تقویت اراده فردی نیازمند توجه لازم به این عوامل نیز می‌باشیم:

۱. آگاهی بخشی به افراد جامعه

حاکمان هر جامعه‌ای برای اینکه بتوانند نسبت به یک مسأله یا برنامه‌ای، افراد آن جامعه را به طور مصمم با خود همراه کنند، می‌بایست افراد آن جامعه را نسبت به کاری که می‌خواهد انجام شود، چستی، اهداف و شرائط آن کار یا برنامه، آگاه کنند تا افراد جامعه نسبت به آن عمل کاملاً شناخت داشته باشند. در اینجا است که افراد آن جامعه با شناخت کافی که دارند و توجه و یادآوری به اینکه شرکت و همراهی در این کار نیز ثواب اخروی خودش را بدنبال دارد مسئولان و حاکمان خود را همراهی می‌کنند.

۲. خنثی کردن توطئه دشمنان

مسئولین و حاکمان یک جامعه برای اینکه بتوانند اراده افراد جامعه را تقویت کنند و خرد جمعی را در جامعه افزایش دهند علاوه بر اینکه می‌بایست افراد جامعه را نسبت به هر تصمیم سرنوشت ساز جمعی، آگاه کنند باید آمادگی کامل در رویارویی با مخالفت‌های احتمالی [۲] را داشته باشند بگونه‌ای که قبل از عملی شدن مخالفت‌های دشمنان، از برنامه آنها مطلع و آن را خنثی کنند. این مسأله خود یک محرک قوی در ترسزدایی از افراد جامعه است چرا که اگر افراد یک جامعه نسبت به شخصی یا اشخاصی و یا برنامه‌ای ترس داشته باشند نه همراهی خواهند کرد و نه در برابر حملات سخت افزاری و نرم افزاری دشمن ایستادگی نشان خواهند داد. چنانکه نسبت به دشمنان داخلی یک جامعه اگر آگاهی بخشی صورت نگیرد و به دنبال آن برنامه‌ها و توطئه آنها خنثی نشود راندمان کاری مسئولین، دولت و به طور کل، سیستم برنامه‌ریزی [نظام] یک جامعه پایین خواهد آمد.

۳. جهت بخشی افراد جامعه

مسئولان و حاکمان یک جامعه برای تقویت اراده‌ی افراد جامعه و همراهی هر چه بیشتر و مفیدتر آنها لازم است همواره در برنامه‌های کلان به دنبال اهداف خاص جامعه، جهت‌گیری اصولی و اساسی را برای مردم داشته باشند. عبارتی راه را مشخصاً

نشان دهند و افراد جامعه را به سمت و سوی هدف مقدس و عالی هدایت کنند، کلی‌گویی، ابهام‌گویی و صرفاً اشاره، نمی‌تواند راهنمای افراد باشد بلکه چه بسا افراد جامعه را از مسیر حقیقی خودش خارج سازد.

۴. وظیفه شناسی افراد جامعه

همه افراد جامعه، چه مسئولین و حاکمان و چه عامه افراد می‌بایست اصل وظیفه شناسی را مورد توجه قرار دهند. افراد جامعه اگر در هر موقعیت و جایگاهی که هستند تکلیف فعلی خود را به موقع شناسایی کنند و آن را در چارچوب منظومه معرفتی جهان هستی که سرانجام آن بازگشت به خدا و پاسخگویی در محضر اوست بدانند باعث خواهد شد که پس از شناخت وظیفه، در زمان خودش به آن عمل کنند.

۵. وظیفه مداری افراد جامعه

تکلیف مداری پس از شناسایی تکلیف و وظیفه است، اگر همه افراد جامعه، وظیفه مدار باشند و تمام سعی و تلاش آنها در جهت تکلیفی باشد که در هر زمان از او خواسته می‌شود آنگاه ضمن برخورداری از جامعه پویا و فعال شاهد آرامش معنوی جامعه نیز خواهیم بود.

امام صادق (ع) در ذیل روایتی به عنوان بصری می‌فرماید (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۲۲۶) «خودش را به تدبیر خودش اداره نکند و همه اشتغالش به چیزی است که خدا امر و نهی کرده است...» در جمله اول که «که خودش را به تدبیر خودش اداره نکند» شاید مراد این باشد که انسان نباید براساس دل و هوس عمل کند بلکه باید همواره براساس وظیفه عمل کند و مدیریت خود را به نفس خود نسپارد بلکه باید مدیریت نفس خود را به خدا و محوریت حق بسپارد و اما در ادامه امام (ع) می‌فرمایند: «همه اشتغالش به چیزی است که خدا امر و نهی کرده است» مراد این است که کاملاً براساس امر و نهی خداوند حرکت می‌کند از مدار امر و نهی الهی خارج نمی‌شود و این همان تکلیف مداری است که رمز سعادت انسانها شمرده شده است براین اساس با توجه به اصل تکلیف مداری هر فرد از افراد جامعه، در هر کجا که لازم باشد تکلیف را شناسایی و بر مدار حق به آن عمل می‌کنند و هیچ‌گاه چیزی مانع از انجام آن تصمیم نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

همیشه ذکر و یاد هر چیز، مبتنی بر فکری است که در پس گفتمان آن ذکر، وجود دارد. از این رو اراده قوی در انسان مبتنی بر عواملی از جمله مبارزه با نفس، شناخت کافی،

توجه به پیامدهای عملی، و از همه مهمتر توجه به غایت هستی و روز بازگشت به سوی پروردگار هستی بخش است. تقویت اراده جمعی در گرو تقویت اراده فردی و گسترش این راهبرد در جامعه است.

پی‌نوشت:

۱. (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (چون برادرشان نوح به آنان گفت آیا پروا ندارید). (شعراء ۱۰۶)
- (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت آیا پروا ندارید). (شعراء ۱۲۴)
- (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت آیا پروا ندارید). (شعراء ۱۴۲)
- (إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت آیا پروا ندارید). (شعراء ۱۶۱)
- (إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ) (آنگاه که شعیب به آنان گفت آیا پروا ندارید). (شعراء ۱۷۷)
- (وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ) و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود، چون به قوم خود گفت آیا پروا نمی‌دارید). (صافات ۱۲۳ و ۱۲۴)
۲. این مخالفت‌ها ممکن است از درون و یا بیرون جامعه باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالسامیه، ۱۴۱۳ق.
۴. اکبری، محمد، خود و نا خود، قم، انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء، چ اول، ۱۳۸۱.
۵. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۶. بداشتی، علی اله، اراده خدا از دیدگاه فیلسوفان و متکلمان و محدثان، قم، بوستان کتاب، چ اول، ۱۳۸۱.
۷. جوادی آملی، عبدالم...، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چ اول، ۱۳۸۰.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تحقیق احمد عبدالغفور عطا، بیروت، دارالعلم ملایین، ۱۳۶۸.
۹. حبیبیان، احمد، تفسیری از بهشت و جهنم، تهران، نشر بین‌الملل، چ هفتم، ۱۳۸۲.
۱۰. حر عاملی، محمدابن حسن، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل‌البتیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
۱۲. دیوانی، امیر، حیات جاودانه، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، چ اول، ۱۳۷۶.
۱۳. رایبیز، آنتونی، به سوی کامیابی (قدم‌های بزرگ)، ترجمه مهدی مجرد زاده کرمانی، تهران، مؤسسه فرهنگ راه بین، چ دهم، ۱۳۷۹.
۱۴. سبحانی، جعفر، منشور جاوید (معاد)، قم، انتشارات مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۹.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه صادق لاریجانی، تهران، انتشارات الزهراء، چ دوم، ۱۳۷۱.
۱۶. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی‌تا.
۱۷. عرفانیان، مریم، مقاله «خودشناسی، مقدمه اخلاق»، مجله حدیث زندگی، ۱۳۸۵.

۱۸. علی بن ابی طالب علیه السلام، غرر الحکم و درر الحکم، تألیف عبدالواحد آمدی، ترجمه محمد علی انصاری قمی، تهران، بی‌نا، سال ۱۳۳۵.
۱۹. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دارالهجره، بی‌تا.
۲۰. فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، تصحیح زین العابدین قربانی لاهیجی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، چ اول، سال ۱۳۷۲.
۲۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ هفتم، ۱۳۷۶.
۲۲. قمی، شیخ عباس، منازل الآخرة، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چ پنجم، ۱۳۸۴.
۲۳. متقی نژاد، مرتضی، معاد از دیدگاه علامه طباطبایی، قم، انتشارات عصر غیبت، چ اول، سال ۱۳۸۲.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، لبنان، دارالحياء التراث العربی، ۱۹۸۳ م.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۲۶. المقرئ القیومی، احمد بن علی، مصباح المنیر، قم، دارالهجره، چ دوم، ۱۴۱۴ ق.